



دانشگاه گوارن کشاورزی و منابع طبیعی

نشریه کارآفرینی در کشاورزی

جلد پنجم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۷

<http://jead.gau.ac.ir>

DOI: -----

## کارآفرینی روستایی پایدار:

### پاسخی به پیامدهای توسعه بی حد و مرز کارآفرینی در نواحی روستایی

\*کوروش رضائی مقدم<sup>۱</sup> و احسان معصومی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>دانشیار بخش ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه شیراز،

<sup>۲</sup>دانشجوی دکتری بخش ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه شیراز

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۱۴

#### چکیده

کارآفرینی به عنوان یکی از مهم ترین تلاش های توسعه روستایی شناخته شده است. پژوهشگران و سیاست گذاران به کارآیی این مفهوم باور دارند و همواره برای توسعه آن در نقاط روستایی تلاش می کنند. اما پرسش اساسی آن است که آیا توسعه کارآفرینی روستایی همواره مناسب است؟ شواهد نشان می دهد توسعه بی حد و مرز کارآفرینی، پیامدهای خطرناکی را برای مردم و خانوارهای روستایی در پی داشته است. هدف این مطالعه مروری، معرفی مفهوم کارآفرینی روستایی پایدار در پاسخ به پیامدهای توسعه بی حد و مرز کارآفرینی روستایی بود. نتایج نشان داد که پیامدها در سه گروه اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی قابل دسته بندی هستند. از طرف دیگر، ادبیات کارآفرینی نیز متشکل از دیدگاه هایی است که این سه بعد را در نظر می گیرد که شامل کارآفرینی اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی می شود. در نظر گرفتن همزمان ابعاد سه گانه کارآفرینی و پایداری، مفهوم کارآفرینی پایدار را به وجود می آورد. این ابعاد در مفاهیم کارآفرینی و پایداری می توانند پیامدهای توسعه کارآفرینی روستایی را پوشش داده و مفهوم جدید کارآفرینی روستایی پایدار را معرفی کنند.

**واژگان کلیدی:** کارآفرینی روستایی، پایداری، کارآفرینی روستایی پایدار

#### مقدمه

بسیاری از مردم روستایی در دنیا به کشاورزی مشغول هستند و زندگی آنها به این شغل وابسته است (Wiggins, 2016). این مسئله همواره پیامدهایی را در زمینه توسعه روستایی به دنبال داشته است. از جمله این که تا مدت ها توسعه کشاورزی معادل توسعه روستایی تلقی می شد. تأکید صرف بر توسعه

کشاورزی، مردم روستا را در هنگام بحران هایی مانند بیکاری، خشکسالی و کم آبی با مشکل مواجه می کند (Tubiello et al., 2008). در همین راستا، در رویکردهای اخیر، تمرکز صرف از کشاورزی برداشته شده و این مبحث تنها یکی از عناصر توسعه روستایی محسوب می شود (Nemes, 2005). از این رو، مفهوم کارآفرینی روستایی با طرح مباحثی مانند تأمین معیشت، بهره وری از منابع، اشتغال زایی، توانمندسازی

\*مسئول مکاتبه: [dr.rezaeimoghaddam@gmail.com](mailto:dr.rezaeimoghaddam@gmail.com)

همکاران (۱۳۹۵) به اهمیت کارآفرینی روستایی از این جنبه اشاره می‌کنند که ایجاد اشتغال با سرمایه نسبتاً کم و توسعه یک سرمایه‌گذاری مشترک توسط افرادی که مهارت‌های گوناگونی کسب می‌کنند، به ایجاد تجارت‌های کوچک در یک جامعه، افزایش سرمایه‌گذاری‌ها و پس‌انداز محلی و بهبود بهره‌وری از منابع محلی منجر می‌شود. از این‌رو است که کارآفرینی روستایی تسهیلگر رابطه بین توسعه کشاورزی، بهره‌وری بیشتر از زمین و همچنین بهبود مسائل اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی روستا محسوب می‌شود (Newbery et al., 2017).

شواهد نیز نشان می‌دهد که کارآفرینی روستایی، سهم عمده‌ای در بهبود وضعیت زندگی مردم روستا داشته است. دیویس و همکاران (Davis et al., 2014) به سهم فعالیت‌های کارآفرینانه در افزایش ۱۵ درصدی درآمد خانوارهای روستایی آفریقا اشاره می‌کنند. به گفته آنان، ۴۴ درصد از خانوارهای روستایی در آفریقا به این فعالیت‌ها مشغول هستند. فعالیت‌های کارآفرینانه در نواحی روستایی کشورهای توسعه‌یافته‌تر تأثیر بیشتری داشته است. به‌عنوان مثال، این فعالیت‌ها به میزان ۵۵ درصد، درآمد روستاییان مکزیک را افزایش داده است و به افزایش ۵۱ درصد درآمد برای روستاییان پرو، ۳۹ درصد برای برزیل، ۴۱ درصد برای شیلی، ۵۰ درصد برای کلمبیا و ۴۶ درصد برای روستاییان چین کمک کرده است (Nagler and Lanjouw and Naudé, 2017). لانجو و لانجو (Lanjouw and Lanjouw, 2011) میزان افزایش ۵۹ درصدی درآمد روستاییان کاستاریکا را در ازای توسعه این فعالیت‌ها گزارش کرده‌اند. فعالیت‌های کارآفرینانه بر کیفیت زندگی نیز اثر دارند (Hussein and Nelson, 2016). مطالعه غفاری و همکاران (۱۳۹۰) و همچنین سجاسی قیداری و همکاران (۱۳۹۳) نشان داد که این فعالیت‌ها تأثیر مثبت و معنی‌داری بر بهبود کیفیت زندگی روستاییان دارد. این فعالیت‌ها همچنین حاوی

و سایر مباحث جذاب مرتبط با توسعه، نقش برجسته‌ای در ادبیات توسعه روستایی یافته است. کارآفرینی روستایی عبارت است از ایجاد کسب و کاری جدید که یک تولید یا خدمت جدید، یا بازار جدیدی را معرفی نموده و یا از فناوری جدیدی در محیط روستایی استفاده کند (Wortman, 1990). مردم روستایی به واسطه توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه این قابلیت را می‌یابند که نیروی خود را صرفاً به کشاورزی محدود نکنند و علاوه بر بهبود فعالیت‌های کشاورزی، از منافع حاصل از سایر فعالیت‌های غیرزراعی نیز برخوردار شوند (Reardon et al., 2007). ضمن این‌که فعالیت‌های کارآفرینانه روستایی لزوماً خارج از حیطه کشاورزی نیستند و در زمینه کشاورزی نیز ظرفیت توسعه این‌گونه فعالیت‌ها وجود دارد (Kroesen and Darson, 2013).

کارآفرینی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تلاش‌های توسعه روستایی نظر محققان را به خود جلب کرده است (Burnett and Danson, 2017). اقتصاددانان، کارآفرینی را مهم‌ترین پیشران توسعه اقتصادی روستاها، سیاست‌مداران آن را یک راهبرد کلیدی برای جلوگیری از اغتشاشات و ناآرامی در روستاها، کشاورزان و روستاییان آن را ابزاری برای بهبود درآمد خویش و زنان آن را امکانی برای اشتغال در مجاورت محل سکونت در راستای خودمختاری و استقلال خود می‌دانند (ملک‌سعیدی و همکاران، ۱۳۹۲).

علاوه بر اثرات اقتصادی و اجتماعی کارآفرینی در محیط روستا، مارسدن و اسمیت (Marsden and Smith, 2003) بر این باورند که توسعه کارآفرینی با نگاه اکولوژیک می‌تواند به توسعه پایدار روستایی منجر شود. این در حالی است که کارآفرینی روستایی نقطه مقابل فعالیت‌های مرسوم کشاورزی نیست، بلکه شامل فعالیت‌های این حیطه نیز می‌شود و همچنین با استفاده از محصولات زراعی به عنوان مواد اولیه، مکمل این‌گونه فعالیت‌ها نیز خواهد بود. ایزدی و

معرفی می‌کند (Schumpeter, 1934). اقتصاددانان، کارآفرینان را به‌عنوان عاملین اصلی خلق فرصت‌های سرمایه‌گذاری تلقی می‌کنند و جامعه‌شناسان از آنان به‌عنوان تحریک‌کنندگان حساس در نوسازی جوامع یاد می‌کنند (احمدپور داریانی و مقیمی، ۱۳۹۲). دانشمندان علوم سیاسی، کارآفرینان را کودکان بی‌غرض نظام سیاسی می‌دانند که ظهور و بروز آنها به توسعه یک جامعه کمک می‌کند (Lavanya, Latha and Murthy, 2009). این عبارت‌ها در کنار مفاهیم و مستندات موجود در زمینه کارآفرینی روستایی، مقبولیت بی‌حد و مرز این مفهوم را نشان می‌دهند. به عبارت دیگر، بر اساس چنین تعبیری این دیدگاه رایج می‌شود که هیچ محدودیتی برای توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه روستایی وجود نخواهد داشت. به این معنی که هر فعالیتی زیر سایه مفهوم کارآفرینی، مثبت و در راستای تسهیل توسعه خواهد بود و هر فردی با عنوان کارآفرین، انسانی توسعه‌یافته و مفید محسوب می‌شود. با اتکا به این فرض، اندیشمندان، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان توسعه روستایی، به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه، همواره به دنبال گسترش فعالیت‌های کارآفرینانه و توسعه مفهوم کارآفرینی در نواحی روستایی هستند. اما موضوعی مبهم در این رابطه آن است که حد مطلوب توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه روستایی در کشورهای درحال توسعه چیست؟ آیا توسعه این فعالیت‌ها در محیط‌های روستایی محدودیتی ندارد و روستاها را با مشکل مواجه نمی‌کند؟ به دنبال پاسخ به این ابهامات، هدف مطالعه حاضر آن است که با مرور ادبیات، مستندات و شواهد مبنی بر اثرات و پیامدهای توسعه کارآفرینی روستایی، به ضرورت تأکید بر مفهوم پایداری در این مبحث پردازد.

پیامدهای توسعه کارآفرینی روستایی: در حالی که یک عقیده عمومی بر ارزشمند بودن فعالیت‌های کارآفرینانه برای جوامع روستایی وجود دارد

ارزش‌های اجتماعی مانند مشارکت و برابری جنسیتی هستند (Liverpool-Tasie et al., 2016).

از این‌رو، اندیشمندان، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان هر روز به میزان بیشتری به مباحث کارآفرینی در توسعه روستایی اهمیت می‌دهند. کشور ایران نیز همین روند را در پیش گرفته است. در برنامه سوم (۱۳۷۹-۱۳۸۳) و چهارم (۱۳۸۴-۱۳۸۸) توسعه، به لزوم توسعه کارآفرینی اشاره شده است، اما توسعه این مفهوم در محیط‌های روستایی در این برنامه‌ها به توسعه برنامه‌های کارآفرینی کشاورزی محدود شده است. کارآفرینی در سال ۱۳۹۰ به صورت رسمی جزئی از برنامه‌ریزی روستایی برنامه پنجم توسعه ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) را به خود اختصاص داد. در بند "ز" این برنامه، هدف توسعه فعالیت‌های کارآفرینی تحت عنوان "ساماندهی و استقرار فعالیت‌های کارآفرینی و اشتغال‌زای کوچک و متوسط تولیدی و خدماتی در مناطق روستایی از طریق ارائه مشوق‌های مالی و اعتباری" ارائه شد. در برنامه ششم (۱۴۰۰-۱۳۹۶) نیز به‌طور مستقیم بر توسعه کارآفرینی روستایی تأکید شده است. این برنامه، دولت را به "توسعه حداقل پنجاه و چهار خوشه کسب‌وکار روستایی، بهره‌برداری و ساخت نود و هشت ناحیه صنعتی روستایی و ایجاد یک میلیون و نهصد و چهارده هزار فرصت شغلی در روستاها و مناطق عشایری" مکلف کرده است (Moghadam, 2017). بر اساس مفاهیم کارآفرینی روستایی و با استناد بر شواهد موجود، درک مشترک بیشتر سیاست‌گذاران این است که توسعه کارآفرینی در محیط‌های روستایی منجر به توسعه روستایی خواهد شد و از این‌رو، آنها به دنبال توسعه این مفهوم در مناطق روستایی هستند (Henderson, 2002).

کارآفرینی همواره از عوامل مثبت و اثرگذار بر ابعاد مختلف توسعه شناخته شده است. شومپتر این مفهوم را موتور محرکه توسعه اقتصادی کشورها

بهینه از منابع هستند، می‌توانند از خلاقیت خود در راستای بهره‌برداری بیش از حد منابع و مصالحه آن استفاده کنند.

از دیگر پیامدها می‌توان به بهره‌کشی از اعضای خانوار روستایی به‌ویژه زنان اشاره نمود. ویگینز (Wiggins, 2016) به این نکته اشاره می‌کند که توسعه بیش از حد فعالیت‌های غیرزراعی در میان خانوارهای روستایی می‌تواند کودکان را از مدرسه بازدارد و فعالیت‌های طاقت‌فرسایی را به نقش‌های مرسوم زنان در این خانوارها اضافه نماید. همچنین اگر فعالیتی کارآفرینانه در محیط‌های روستایی به حدی توسعه یابد که قادر به جایگزین کردن ماشین به جای نیروی کار روستایی شود، اشتغال در روستا با یک بحران جدی روبرو خواهد شد.

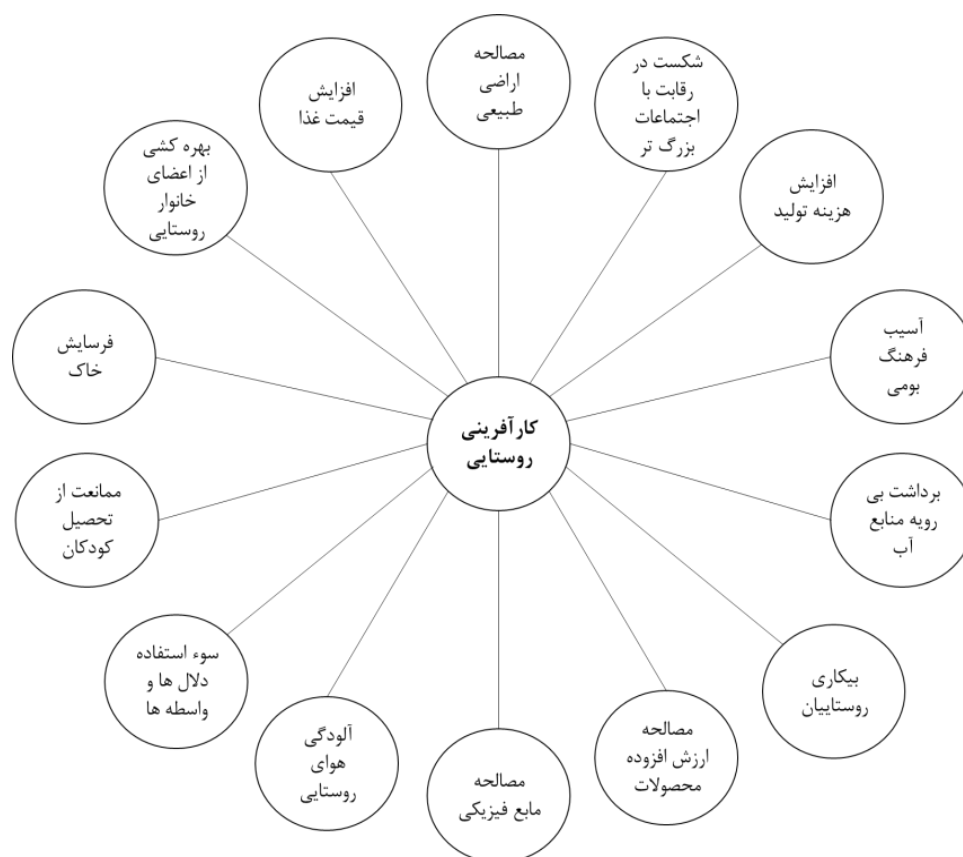
کارآفرینان روستایی با توسعه فعالیت‌های خود، پیوند بین اجتماعات روستایی و جوامع بزرگ‌تر را قوی‌تر می‌کنند، تا جایی که روستاییان وارد سطوح جهانی اقتصاد می‌شوند (Henderson, 2002). این مسئله شاید در نگاه اول به‌عنوان یک رویداد مطلوب به نظر برسد، اما نمز (Nemes, 2005) با یک بررسی دقیق‌تر معتقد است که با ورود بسیاری از نواحی روستایی در اقتصادهای بزرگ‌تر و به ویژه در سطوح جهانی، روستاییان با شرکت‌ها و ابرقدرت‌هایی مواجه می‌شوند که قدرت رقابت با آنها را ندارند و به دنبال تلاش برای رقابت با آنها، تمام منابع روستایی خود را مصرف می‌کنند؛ در نهایت، همین روستاها به نواحی بدون منابع تبدیل شده و نیازمند کمک خواهند بود.

ریردون و همکاران (Reardon et al, 2007) در بررسی برخی مطالعات تجربی به این نتیجه می‌رسند که رشد فعالیت‌های کارآفرینانه غیرزراعی در برخی مناطق روستایی آفریقا منجر به افزایش شکاف بین فقرا و ثروتمندان شده است. همچنین، این فعالیت‌ها توزیع ناعادلانه زمین و سایر منابع روستایی را به دنبال داشته است. چنین مسائلی می‌تواند به تغییرات

(Henderson, 2002)، بررسی دقیق‌تر مفاهیم و مستندات مربوط به کارآفرینی روستایی، بیان‌کننده هشدارهایی در زمینه توسعه چنین فعالیت‌هایی می‌باشد. یکی از مسائل مهمی که در زمینه کارآفرینی نادیده گرفته شده است، اثرات و پیامدهای توسعه این نوع فعالیت‌ها است. ونکاتارامان (Venkataraman, ) (1997) در تشریح عناصر کارآفرینی، اهمیتی برابر برای "فرصت‌های کارآفرینانه"، "فرد به وجود آورنده آن‌ها (کارآفرین)" و "پیامدهای کارآفرینی" قائل می‌شود و پیامدهای توسعه کارآفرینی را به سه دسته اقتصادی، روانشناختی و اجتماعی تقسیم‌بندی می‌کند. کوهن و وین (Cohen and Winn, 2007) ضمن تأکید بر اهمیت اثرات توسعه کارآفرینی، بعد زیست‌محیطی را نیز به این دسته‌بندی اضافه می‌کنند. اگر توسعه بی‌حد و حصر فعالیت‌های کارآفرینانه در محیط‌های روستایی ادامه یابد، پیامدهای زیادی را به همراه خواهد داشت. از مهم‌ترین پیامدها می‌توان به مصالحه منابع روستایی اشاره نمود. این منابع می‌توانند فیزیکی، اکولوژیکی، اجتماعی و فرهنگی باشند (Nemes, 2005). کارآفرینی، روستاییان را قادر می‌سازد تا فرهنگ بومی خود را با تلاش‌های اقتصادی ادغام کنند و آن را توسعه دهند. از این‌رو، بی‌توجهی به مسئله پایداری می‌تواند منجر به توسعه آن دسته از فعالیت‌هایی شود که به فرهنگ‌های بومی در نقاط روستایی به‌عنوان یک منبع ارزشمند لطمه وارد کند. همان‌گونه که کارآفرینی می‌تواند منجر به استفاده بهینه و بهره‌وری منابع شود (احمدپور داریانی و مقیمی، ۱۳۹۲)، قادر به مصالحه آن‌ها نیز خواهد بود. کارآفرینان روستایی ممکن است بی‌وقفه از منابع مختلف روستا مانند آب و خاک و هوا استفاده نمایند بی‌آنکه محدودیتی در این زمینه داشته باشند. به عبارت دیگر، شیوه بهره‌برداری متفاوت کارآفرینان از منابع، نباید همواره به‌عنوان یک مؤلفه مثبت نگریسته شود. زیرا همان‌گونه که کارآفرینان قادر به استفاده

هند، این افزایش به میزان ۳۵ درصد بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲ بود (Wiggins, 2016). این افزایش دستمزدها علیرغم اثرگذاری مثبت بر کاهش فقر روستایی (Jacoby, 2013)، پیامدهایی را نیز به دنبال داشته است. از جمله این پیامدها افزایش هزینه تولید بود که در پی آن، قیمت غذا نیز افزایش یافت. به عنوان مثال، هزینه‌های تولید غلات و حبوبات در چین بین ۵۰ تا ۷۰ درصد در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ افزایش یافت. از طرف دیگر، افزایش هزینه نیروی کار به رشد فرآیند مکانیزه شدن منجر شد؛ به‌ویژه برای آن دسته از وظایفی که به‌صورت ماشینی ارزان‌تر انجام می‌شدند و این مسئله در نهایت بیکاری روستاییان را در پی داشت (Wiggins, 2016). پیامدهای توسعه کارآفرینی روستایی به‌طور خلاصه در نگاره ۱ قابل مشاهده است.

اجتماعی نامطلوب منجر شود (Wiggins, 2016). انحصار انبارداری در هند و همچنین بسته‌بندی و فروش محصولات روستایی در چین به‌وسیله کارآفرینان باعث شده است تا حدود ۴۰ درصد از ارزش محصولات روستایی، خارج از محیط روستا به آن اضافه شود (Reardon et al., 2012). چنین انبارهایی در حال حاضر حدود ۷۳ درصد از سیب‌زمینی در هند را مدیریت می‌کنند (Reardon and Timmer, 2014). فعالیت‌های کارآفرینانه در روستاهای آسیا، دستمزدهای روستایی را افزایش داده است. برای مثال، در چین، دستمزد روستایی بین سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۷ به شکل خارق‌العاده‌ای ۹۲ درصد افزایش یافت. در ویتنام، دستمزد روستایی بیش از سه برابر در سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۸ افزایش یافت. در بنگلادش، متوسط دستمزد روستایی به‌اندازه ۴۵ درصد بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ افزایش یافت. در



نگاره ۱. پیامدهای منفی توسعه کارآفرینی روستایی.

پاسخ به پیامدهای توسعه کارآفرینی روستایی: همان‌گونه که مشاهده می‌شود، توسعه بدون ملاحظه‌ی کارآفرینی روستایی، پیامدهای قابل تأملی را برای جوامع روستایی در پی خواهد داشت. اندیشمندان کارآفرینی در پاسخ به این مسائل، همواره به دنبال تغییر اهداف کارآفرینی بوده‌اند؛ نمونه آن تغییر گرایش از اهداف اقتصادی کارآفرینی به سمت اهداف اجتماعی است که تحت عنوان کارآفرینی اجتماعی مطرح می‌شود (Mair and Marti, 2006). در این حالت، این پرسش مطرح می‌شود که آیا در مفهوم کارآفرینی، توسعه تک‌بعدی مد نظر است؟ به عبارت دیگر، آیا دنبال کردن یک هدف صرفاً اقتصادی یا اجتماعی برای توسعه کارآفرینی اکتفا می‌کند؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت همان‌گونه که مفاهیم و مستندات در رابطه با پیامدهای توسعه کارآفرینی در روستا نشان می‌دهد، توسعه تک‌بعدی فعالیت‌های کارآفرینانه نه تنها کفایت نمی‌کند، بلکه خطرناک است؛ زیرا در سایه چنین دیدگاهی، سایر ابعاد مهم توسعه روستایی نادیده گرفته می‌شود و حتی در مواردی آسیب مستقیم می‌بیند. از این رو، این پرسش مطرح می‌شود که چگونه می‌توان با این مسئله مقابله کرد؟

با دقت در پیامدهای توسعه کارآفرینی روستایی می‌توان به این نکته رسید که این پیامدها قابل دسته‌بندی به جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی هستند (جدول ۱). برخی پیامدها از

جمله افزایش هزینه‌ها، مصالحه ارزش افزوده و سوءاستفاده واسطه‌ها در قالب پیامدهای اقتصادی قابل دسته‌بندی هستند. بیکاری، بهره‌کشی، مصالحه منابع فرهنگی و ایجاد مانع برای تحصیل کودکان روستایی در دسته اجتماعی قرار گرفته و مصالحه منابع اراضی و منابع طبیعی نیز در گروه پیامدهای زیست‌محیطی دسته‌بندی می‌شوند. از آنجا که این سه دسته (اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی) از ابعاد مفهوم پایداری محسوب می‌شوند، می‌توان گفت که توسعه‌ی کارآفرینی روستایی بدون ملاحظه و با نگاه صرفاً اقتصادی، پایداری توسعه روستایی را به خطر می‌اندازد. از طرف دیگر، مفاهیم و شواهد نشانگر این مسئله هستند که در توسعه کارآفرینی روستایی صرفاً یک بعد (عمدتاً اقتصادی) در نظر گرفته می‌شود. توسعه این فعالیت‌ها حد و مرز مشخصی ندارد و در نتیجه، نیازهای فعلی بدون در نظر گرفتن منابع لازم برای رفع نیازهای آتی برطرف می‌شوند؛ این دقیقاً همان مسئله‌ای است که منجر به ناپایداری توسعه روستایی می‌شود، زیرا زمانی که از پایداری صحبت می‌شود، توسعه متعادل و هماهنگ ابعاد آن مدنظر است (Mölders, 2014). بنابراین، اگر قرار است کارآفرینی اثر مثبتی بر توسعه روستایی داشته باشد، باید در قالب فعالیت‌های پایدار اجرا شود. به عبارت دیگر، این کارآفرینی روستایی پایدار<sup>۱</sup> است که به توسعه روستایی پایدار منجر خواهد شد.

جدول ۱- دسته‌بندی پیامدهای توسعه روستایی

پیامدهای اقتصادی	پیامدهای اجتماعی	پیامدهای زیست‌محیطی
شکست در رقابت با اجتماعات بزرگ تر	آسیب فرهنگ بومی	مصالحة اراضی طبیعی
افزایش هزینه تولید	بیکاری روستاییان	برداشت بی رویه منابع آب
مصالحة ارزش افزوده محصولات	ممانعت از تحصیل کودکان	آلودگی هوای روستایی
مصالحة منابع فیزیکی	بهره‌کشی از اعضای خانوار روستایی	فرسایش خاک
سوء استفاده دلال‌ها و واسطه‌ها		
افزایش قیمت غذا		

### کارآفرینی روستایی پایدار

**پایداری در توسعه روستایی:** پایداری برای اولین بار در کنفرانس ملل متحد درباره محیط زیست انسان در سال ۱۹۷۲ مطرح شد. این واژه به‌عنوان یک مفهوم مرتبط با توسعه در گزارش کمیسیون برانتلند<sup>۱</sup> در سال ۱۹۸۷ برجسته شد (Hall et al., 2010). تعریف توسعه پایدار در این کمیسیون به این صورت بود: توسعه‌ای که طی آن، رفع نیازهای نسل حاضر بدون به خطر افتادن توانایی نسل آینده برای رفع نیازهای خود صورت می‌گیرد (Brundtland, 1987). این برداشت از توسعه در سال ۱۹۸۷ با تأکید بر حفظ محیط زیست ارائه شد و محور بحث حول رابطه انسان و طبیعت قرار داشت (Kuhlman and Farrington, 2010). چارچوب مفهوم توسعه پایدار بر "آینده مشترک ما"<sup>۲</sup> و "برابری بین نسل‌ها"<sup>۳</sup> استوار است (رضائی مقدم و کرمی، ۱۳۸۵). در همین راستا، مفهوم پایداری بیشتر بر توانایی توسعه سبک‌های زندگی و سطح مصرف برای محافظت از آسیب‌های منابع تأکید دارد. بنابراین، این مفهوم به دنبال رهیافتی است که طی آن از منابع محافظت شود و برداشت از آن‌ها به گونه‌ای صورت گیرد که نیازهای نسل حاضر، بدون مورد مصالحه قرار گرفتن نیازهای نسل آتی

- 1- Brundtland
- 2- Our common future
- 3- Intergenerational equity

مرتفع گردد (Mölders, 2014). با این دیدگاه، توسعه پایدار فرآیندی است در جهت پایدار نمودن فعالیت‌های توسعه‌ای که نیاز به منابع و جایگزینی سریع و یکپارچه آن وجود دارد (Soubbotina, 2004). به‌عبارت دیگر، تأکید توسعه پایدار بر آن است که در مسیر توسعه تا جایی که امکان دارد منابع تجدیدپذیر مورد استفاده قرار گیرد و از منابع غیرتجدیدپذیر از طرق مختلف (مثل کاهش استفاده یا بازیافت) برای نسل پیش رو محافظت شود (Hall et al., 2010).

پس از مطرح شدن مفهوم پایداری با تأکید بر ملاحظات زیست‌محیطی، سایر شاخص‌های این مفهوم نیز در ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفت (Bonevac, 2010). به این معنی که پایداری به‌عنوان یک مفهوم ترکیبی در پی به تعادل رساندن سلامت اقتصادی، برابری اجتماعی و تاب‌آوری زیست‌محیطی با یک چشم‌انداز بلندمدت برای دستیابی به راه‌حل‌های برد-برد است (Cohen and Winn, 2007). از این رو، پایداری مفهومی تک‌بعدی نیست و ابعاد متنوعی را از جمله ارضای نیازهای اولیه بشر، دستیابی به برابری و عدالت اجتماعی، ملاحظه تنوع فرهنگی، حفاظت تنوع اکولوژیک و ادغام حفظ منابع طبیعی و توسعه را در بر می‌گیرد. همچنین، مفهوم پایداری، فرض‌هایی را بنا نهاد که در زمینه توسعه باید مدنظر قرار گیرند. از

جمله این فرض‌ها این است که توسعه باید از یک چشم‌انداز بلندمدت نگریسته شود؛ توسعه پایدار پدیده‌ای پویاست و برابری بین نسل‌ها از فرض‌های اساسی این مفهوم است (Karami, 1995).

همان‌گونه که ابعاد متنوع و فرض‌های مختلف پایداری نشان می‌دهد، این مفهوم بسیار گسترده است و پرداختن به آن در حیطه توسعه (که خود نیز مفهومی گسترده است)، صرفاً یک مبحث کلی را نشان می‌دهد. پژوهشگران و سیاست‌مداران نیز برای محقق شدن هدف کلی توسعه پایدار باید ابعاد مختلف آن را در نظر بگیرند و به جزئیات آن توجه نمایند. برای مطالعه دقیق‌تر جزئیات توسعه باید به این نکته توجه داشت که بحث پایداری در راستای تحقق توسعه پایدار، در زیرمجموعه‌ها و عوامل توسعه قابل بررسی می‌باشد. همان‌گونه که تا کنون نیز مطالعات مختلفی در زمینه‌های متنوع توسعه، به بررسی مبحث پایداری پرداخته‌اند و توسعه روستایی پایدار یکی از همین موضوعات است.

پایداری از مباحثی است که در زمینه برنامه‌های توسعه روستایی نیز مدنظر قرار گرفته است. پایداری در توسعه روستایی فرآیندی چندبعدی است که طی آن نظام روستایی از ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. رشد اقتصادی، بهبود شرایط اجتماعی و محافظت از ارزش‌های طبیعی از ابعاد مهمی هستند که در توسعه روستایی پایدار از اهمیت یکسانی برخوردار می‌باشند (Pugliese, 2011). بنابراین، پایداری توسعه روستایی نیز ابعاد متنوعی دارد. این مفهوم تا کنون در ابعاد گوناگونی از قبیل پایداری اقتصادی، اجتماعی (Wolbring and Rybchinski, 2013)، نهادی، توانمندسازی، تاب‌آوری و زیست‌محیطی (Bhandari, 2009) مورد بررسی قرار گرفته است.

مفاهیم، مباحث، پارادایم‌ها، رهیافت‌ها، الگوها و مدل‌هایی که در زمینه توسعه روستایی وجود دارد، زمانی مفید است که بتوان از آن‌ها در طراحی و اجرای برنامه‌های توسعه روستایی بهره گرفت. از این رو، برنامه‌های روستایی ابزاری برای پیاده‌سازی مباحث کلی روستایی محسوب می‌شوند. این مسئله یکی از جنبه‌های توسعه روستایی است که نقش پایداری در آن برجسته می‌شود. به این معنی که برنامه‌های توسعه روستایی همواره تمرکز خود را بر اجرای یک برنامه در یک مدت‌زمان مشخص قرار می‌دهند، در صورتی که بعد مهم برنامه‌ها، ادامه داشتن پس از حمایت توسط مجری برنامه می‌باشد. سازمان "سرمایه‌گذاری بین‌المللی برای توسعه کشاورزی"<sup>۱</sup> یکی از سازمان‌هایی است که سرمایه‌گذاری در پایداری برنامه‌ها را آغاز نموده است. این سازمان تعریف زیر را از پایداری برنامه‌های توسعه روستایی ارائه می‌دهد (Wiggins, 2016): "پایداری برنامه‌های روستایی به معنای اطمینان از این مسئله است که نهادهای حمایت‌شده به‌وسیله پروژه و منفعت‌های رسانده شده از طریق یک پروژه، بعد از پایان آن نیز باقی بمانند و ادامه یابند."

بنابراین، رشد و بهبود عوامل توسعه روستایی باید بر اساس مفهوم پایداری صورت پذیرد. با ظهور مفاهیم نوینی از قبیل تکثرگرایی، از نقش کشاورزی به عنوان تنها عامل توسعه روستایی کاسته شده (Jones, 1995) و تمرکز اندیشمندان از بهبود تولیدات چوب و مواد غذایی به سایر مباحث از قبیل کارآفرینی سوق یافته است (Wiggins, 2016). کارآفرینی روستایی از عواملی است که در توسعه روستایی نقش برجسته‌ای دارد. جوامع روستایی پایدار باید قادر به تشخیص فرصت‌های موجود در بازار و سیاست‌های

1- International Fund for Agricultural Development (IFAD)



ظهور نظریه‌های اقتصاد- محور در زمینه کارآفرینی تا حدود زیادی تحت تأثیر نظریه بازار<sup>۳</sup> است. این نظریه حدود ۱۲۰ سال پیش به وسیله لئون والروس<sup>۴</sup> معرفی شد. این نظریه بیان‌کننده مدلی ریاضی است که تخصیص منابع و کالاها را به‌طور دقیق در بین تمام مصرف‌کنندگان توصیف می‌کند. اندیشه کارآیی پارتو<sup>۵</sup> زاینده نظریه بازار است. کارآیی پارتو حالتی از تخصیص منابع است که در آن امکان بهتر نمودن وضعیت یک فرد بدون بدتر شدن وضعیت فردی دیگر وجود ندارد. اگر تخصیص منابع به‌گونه‌ای باشد که شرایط فردی بدون تغییر منفی در شرایط فردی دیگر تغییر نماید، مفهوم دیگری تحت عنوان ارتقا پارتو رخ می‌دهد. بنابراین، کارآیی پارتو و ارتقا پارتو دو مفهوم متضاد هستند. در نتیجه بر هم خوردن تعادل بازار، مفهومی تحت عنوان شکست بازار<sup>۶</sup> ظهور می‌کند (Dean and McMullen, 2007). از این‌رو، شکست بازار، پیامد منفی بر هم خوردن تعادل بازار محسوب می‌شود. بحث‌های مرتبط با بازار به‌اندازه‌ای مهم هستند که منجر به نظریه‌های متضادی در زمینه کارآفرینی شده‌اند. به‌عنوان مثال، در نتیجه بحث‌های مرتبط با بازار، دو مکتب متفاوت تحت عناوین اتریش و شومپیتر به وجود آمده است که طی آن مکتب اتریش، کارآفرینی را کشف فرصت‌ها در بازار نامتعادل می‌داند و هدف آن را رساندن بازار به وضعیت تعادل معرفی می‌کند. این در حالی است که مکتب شومپیتر، کارآفرینی را فرآیند بر هم زدن تعادل بازار می‌داند و هدف آن را به وجود آمدن ترکیبات جدید در راستای توسعه اقتصادی می‌پندارد (Cheah, 1990). به‌هرحال، چیزی که در هر دو مکتب مشترک

مختلف باشند و همچنین بتوانند این فرصت‌ها را با نیاز به محافظت از دارایی‌های روستا و بهبود تنوع آن‌ها ادغام نموده و به تعادل برسانند (Pugliese, 2011). این مسئله به‌طور مستقیم، اهمیت پایداری در کارآفرینی روستایی را می‌رساند. از طرف دیگر چنین فعالیت‌هایی باید مستمر بوده و به یک مقطع زمانی خاص محدود نشود (Bhandari, 2009). از این‌رو، مفهوم پایداری در مبحث کارآفرینی روستایی، موضوع حائز اهمیتی است.

**ابعاد کارآفرینی پایدار:** مبحث پایداری خود دارای ابعادی است که در زمینه کارآفرینی نیز قابل‌بررسی است، زیرا در هر کدام از ابعاد پایداری (اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی)، دیدگاه‌هایی برای کارآفرینی وجود دارد و می‌توان بر اساس آن‌ها به بررسی کارآفرینی پایدار پرداخت. در ادامه، این دیدگاه‌ها تشریح می‌شوند.

**دیدگاه‌های اقتصادی کارآفرینی:** این نوع کارآفرینی بر تشخیص و بهره‌برداری آن دسته از فرصت‌هایی تأکید می‌کنند که در نهایت منجر به سودآوری اقتصادی می‌شوند (احمدپور داریانی و مقیمی، ۱۳۹۲). کارآفرینی، از تحول مفاهیم مرتبط با اقتصاد پدید آمد. ریچارد کانتیلون<sup>۱</sup>، اوایل قرن هجدهم میلادی عوامل اقتصادی را به سه دسته تقسیم کرد. این سه دسته عبارت بودند از مالکان زمین، عوامل اقتصادی دستمزدبگیر و همچنین آن دسته از عوامل اقتصادی که با قبول خطر و ریسک در بازار بورس فعالیت می‌کنند. ژان باتیست سی<sup>۲</sup> اولین کسی بود که بر نقش حیاتی کارآفرینان در بسیج منابع اقتصادی بر اساس اصول بهره‌وری تأکید نمود (Schiller and Crewson, 1997).

3- Market theory  
4- Leon Walrus  
5- Pareto efficiency  
6- Market failure

1- Richard Canitllon  
2- Jean Baptis Say

است، گشایش بازار جدید به عنوان هدف کارآفرینی است (Bull and Willard, 1993).

اعتقاد شومپیتر به عنوان اندیشمند برجسته کارآفرینی این است که توسعه اقتصادی زمانی بروز می کند که ترکیبات جدید پدیدار می شوند. شومپیتر آنچه که از ترکیبات جدید حاصل می شود را کسب و کار مخاطره آمیز می نامد و فردی که دست به چنین اقدامی می زند را کارآفرین می خواند. به زعم شومپیتر، ترکیبات جدید شامل معرفی یک کالای خوب یا کیفیتی جدید از یک کالا، معرفی یک روش جدید تولیدی، گشایش بازاری جدید، شیوه جدید بهره برداری از منابع و نوسازی در هر صنعت می باشد (Loundsbury, 1998). گارتنر (Gartner, 1990) در مطالعه ای، به مواردی به عنوان مهم ترین عناصر و مفاهیم کارآفرینی دست یافت که عبارتند از: ۱) کارآفرین به فردی گفته می شود که دارای ویژگی های شخصیتی منحصر به فرد باشد؛ ۲) فعالیت های کارآفرینانه حتما دارای عنصر نوآوری هستند؛ ۳) کارآفرینی به خلق ارزش اقتصادی منجر خواهد شد؛ ۴) فعالیت کارآفرینانه به لحاظ اقتصادی سودمند است؛ ۵) فعالیت های کارآفرینانه همواره در حال رشد و توسعه هستند؛ ۶) فعالیتی کارآفرینانه محسوب می شود که از یک سری ابعاد، خاص و ویژه باشد تا جایی که از سایر فعالیت های مرسوم متمایز شود؛ ۷) افراد کارآفرین باید مالک یا مدیر کسب و کار خود باشند.

مدت ها بود که کارآفرینی از جنبه اقتصادی اهمیت بسیار زیادی داشت و این واژه صرفا در ادبیات توسعه اقتصادی مشاهده می شد (Karimzadeh et al., 2014). به عنوان مثال، شومپیتر کارآفرینی را موتور محرکه توسعه اقتصادی می دانست (احمدپور داریانی و مقیمی، ۱۳۹۲). این جایگاه هنوز هم برای کارآفرینی وجود دارد. اوریارو و همکاران (Oriarewo et al., 2013) همچنان کارآفرین را اصلی ترین مهره در اقتصاد نوین می دانند. بسیاری از صاحب نظران در زمینه کارآفرینی، هدف عمده و اساسی کارآفرینی را رشد اقتصادی می دانند. ونکاتارامان (Venkataraman, 1997)، کارآفرینی را به عنوان مبحثی کلیدی و ابزاری مدبرانه برای رشد اقتصادی تلقی می کند. بسیاری از اندیشمندان ابزارهای کارآفرینی برای تسهیل توسعه اقتصادی را نیز معرفی می کنند. چایلز<sup>۱</sup> و همکاران کارآفرینی را به عنوان پدیده ای برای اشتغال زایی جدید در اقتصاد بازار مورد ارزیابی قرار می دهند. دراکر<sup>۲</sup>، تولید ثروت را هدف مهم کارآفرینی مطرح می کند و این مفهوم را اقدامی نوآورانه می داند که با بهره مندی از منابع موجود، ظرفیت جدیدی برای تولید ثروت ایجاد می کند. بنابراین، دیدگاه های کارآفرینی در بعد اقتصادی، بر مؤلفه های درآمد، ثروت، سود، کارآیی و اثربخشی تأکید دارند (Gupta and York, 2008).

**دیدگاه های اجتماعی کارآفرینی:** دیدگاه اجتماعی نسبت به کارآفرینی به دنبال کاربرد رفتار کارآفرینانه برای مقاصد اجتماعی به جای اهداف صرفا اقتصادی می باشد (مقیمی و پازوکی، ۱۳۸۷). این دیدگاه به مفهومی تحت عنوان کارآفرینی اجتماعی منجر شده است که در پی خلق سرمایه و ارزش های اجتماعی می باشد (احمدپور داریانی و مقیمی، ۱۳۹۲). به عبارت دیگر، به آن نوع کارآفرینی که نتایج قابل ملاحظه ای را در قالب دستاوردهای اجتماعی برای جامعه به ارمغان می آورد، کارآفرینی اجتماعی گفته می شود (Dacin et al., 2010). در همین راستا، کارآفرین اجتماعی شور و شوق یک رسالت اجتماعی را با بینش تجاری و بازرگانی ترکیب می کند (مقیمی و پازوکی، ۱۳۸۷). موفقیت در کسب و کارهای

1- Chiles  
2- Drucker

راهداری و همکاران (Rahdari et al., 2016) از مفهوم "جدید و نوآورانه" بودن فعالیت‌های کارآفرینانه در نظریه شومپیتر استفاده می‌کنند و آن را در ابعاد اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهند. آنها به این نتیجه می‌رسند که نوآوری‌های اجتماعی نقش حائز اهمیتی در توسعه پایدار ایفا می‌کنند. با توجه به ریشه‌های نظری کارآفرینی اجتماعی، می‌توان گفت که کارآفرینان اجتماعی نقش مأموران تغییر را به واسطه موارد زیر ایفا می‌کنند (Sullivan Mort et al., 2006):

- پذیرش یک مأموریت برای خلق ارزش‌های اجتماعی؛
  - تشخیص و ردیابی فرصت‌هایی که به این مأموریت منتهی می‌شود؛
  - ملاحظه هم‌زمان ارزش‌ها در ابعاد اقتصادی و اجتماعی؛
  - در نظر گرفتن جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی هم‌زمان با حصول سودآوری اقتصادی؛
- دیدگاه‌های زیست‌محیطی کارآفرینی:** این دیدگاه به دنبال توضیح فرآیند تشخیص و بهره‌برداری فرصت‌هایی است که کارآفرینی و محیط زیست را به هم پیوند می‌دهد (Hörisch et al., 2017). ارزش‌های مدنظر در این نوع کارآفرینی، مرتبط با محیط زیست می‌باشد (احمدپور داریانی و مقیمی، ۱۳۹۲). در این نوع کارآفرینی، کسب‌وکار سودمحور در جست‌وجوی راهکارهایی برای حل مشکلات زیست‌محیطی است (Lenox and York, 2011). این نوع کارآفرینی تحت عنوان کارآفرینی زیست‌محیطی نام‌گذاری شده است که می‌تواند به عنوان رفتار نوآورانه‌ی عاملین مستقل یا سازمان‌ها مفهوم‌سازی شود که مسائل زیست‌محیطی را به‌عنوان هدف محوری و مزیت رقابتی مورد توجه قرار

اجتماعی به جای آن که صرفاً سودآوری اقتصادی را مورد ملاحظه قرار دهد، از طریق معیارهای دیگری مانند میزان سرمایه توزیع‌شده و طیفی از افراد و جامعه که از عملکرد اقتصادی آنها بهره‌مند می‌شوند، مورد ارزیابی قرار می‌گیرند (Mair and Marti, 2006). هدف از این نوع کارآفرینی، اداره امور کسب‌وکار برای کشف راه‌های جدید برای دستیابی به تغییر اجتماعی مثبت و سازنده است.

کارآفرینان اجتماعی با دیگر کارآفرینان متفاوتند. یکی از مهم‌ترین این تفاوت‌ها تلاش کارآفرینان اجتماعی برای بهبود وضعیت اجتماعی است. آنها تلاش می‌کنند تا مشکلات اجتماعی را شناسایی کنند و برای حل این مشکلات راه‌حلی ارائه دهند. ایجاد فرصت شغلی برای افراد فقیر یا اقشار آسیب‌پذیر جامعه یکی از موضوعات مهم در زمینه کارآفرینی اجتماعی است (Thompson, 2002). این مفهوم، علاوه بر مفاهیم اقتصادی به دنبال خلق ارزش‌های اجتماعی است. به عبارت دیگر، بر اساس این دیدگاه، حین توسعه کسب‌وکارهای کارآفرینانه باید جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی را نیز مد نظر قرار داد (Baron, 2007).

ظهور مفهوم اجتماعی کارآفرینی ریشه در نگرش افرادی مثل دراکر دارد. دراکر معتقد است که هر نوع فعالیتی را نباید کارآفرینی دانست. او توجیه اقتصادی شومپیتر برای کارآفرینانه بودن فعالیت‌ها را کافی نمی‌داند. دراکر بر این باور است که فعالیت کارآفرینانه باید حاوی یک نوآوری باشد. بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند که توجه به ارزش‌های اجتماعی در کسب‌وکارهای اقتصادی به نوعی نوآوری محسوب می‌شود و فعالیت‌های دارای این قبیل ویژگی‌ها را می‌توان کارآفرینانه به شمار آورد (Peredo and McLean, 2006).

را به گونه‌ای مورد استفاده قرار دهند که بهره‌وری آن افزایش یابد. به این معنی که کارآفرینان این ظرفیت را دارند که هم‌زمان با اینکه منابع را به شیوه‌ای منطقی‌تر مصرف می‌نمایند، سودآوری اقتصادی سابق را نیز داشته باشند (Stevenson and Jarillo, 2007). اما نکته مغفول در این دیدگاه (به‌ویژه در زمینه کارآفرینی روستایی) این است که همان‌گونه که کارآفرینان قادر به بهبود اثربخشی و کارایی منابع هستند، دارای قابلیت بهره‌برداری بیش از حد به شیوه‌های خلاقانه نیز می‌باشند. از این رو، لبه دیگر تیغ "استفاده خلاقانه از منابع" نیاز به بررسی و تحلیل عمیق‌تری دارد.

**پایداری در کارآفرینی روستایی:** بسیاری از کتاب‌ها، مقالات و گزارش‌هایی که حاوی هشدار درباره فجایع زیست‌محیطی و سایر ابعاد انسانی هستند در پایان، نتیجه خود را به این صورت اعلام می‌کنند که از این پس، وظیفه نجات تمدن‌ها بر دوش کارآفرینان اجتماعی و زیست‌محیطی است (Brown, 2006). همچنین، بسیاری از مجلات علمی و کاربردی معتبر، به دنبال توسعه این ایده هستند که کارآفرینی می‌تواند اکسیر بسیاری از معضلات زیست‌محیطی و اجتماعی باشد (Brugmann and Prahalad, 2007). به نظر می‌رسد، اهمیت کارآفرینی در زمینه پایداری به تضادهای موجود در مباحث توسعه پایدار بازمی‌گردد. رابینسون (Robinson, 2004) به این مسئله اشاره می‌کند که توسعه پایدار حاوی یک بحث متضاد در زمینه ابعاد مختلف خود است. به این معنی که توسعه هم‌زمان و هم‌عرض ابعاد مختلف پایداری، به ویژه ابعاد اقتصادی و زیست‌محیطی منجر به ایجاد جدل در اصل هم‌تراز دانستن این ابعاد شده است (Mölders, 2014). به عنوان مثال، برخی صاحب‌نظران با توجه به ضرورت رشد اقتصادی کشورهای درحال توسعه، این بعد را در اولویت توسعه این قبیل کشورها می‌دانند (Balakrishnan et al., 2003). بعضی از

می‌دهند. کارآفرینان زیست‌محیطی، ظرفیت بالقوه منابع و فرصت‌هایی که از منظر تعهد محیطی مورد پالایش قرار گرفته‌اند را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. این ملاحظات، نکته اساسی در تمایز کارآفرینی زیست‌محیطی با سایر اشکال اقتصادی یا اجتماعی است (Hörisch et al., 2017).

ریشه مفهوم کارآفرینی زیست‌محیطی در مؤلفه‌های مختلف کارآفرینی است. یکی از این مؤلفه‌ها "روش‌گزینار برای خلق ارزش" می‌باشد (Gartner, 1990). روش‌گزینار به این مسئله می‌پردازد که اگر فردی بتواند با طی کردن یک روش متفاوت با روش‌های مرسوم، محصولی را با کیفیت بهتر (یا حتی همان کیفیت سابق) ارائه کند، فعالیت کارآفرینانه را اداره می‌نماید (Gans et al., 2016). این فرآیند در مسائل زیست‌محیطی اهمیت ویژه‌ای می‌یابد؛ زیرا مسیر و روش تولید یک محصول یا ارائه یک نوع خدمات، به منابعی مربوط می‌شود که در بسیاری از موارد با محیط زیست مرتبط خواهد بود.

برخی نیز معتقدند که کارآفرینی زیست‌محیطی، مفهوم خود را از اندیشه‌های استیونسون<sup>۱</sup> می‌گیرد. او عنصر جدیدی را در رابطه با "چگونگی استفاده از منابع" به مفهوم کارآفرینی می‌افزاید. استیونسون معتقد است که فعالیت کارآفرینانه صرفاً به منابع قابل کنترل متکی نیست. به عبارت دیگر، کارآفرین منابعی را مورد استفاده قرار می‌دهد که ممکن است سایر افراد آن را به عنوان یک منبع مورد توجه قرار ندهند. همچنین به عقیده او، فرد کارآفرین منابع مرسوم را نیز به گونه‌ای متفاوت به کار می‌گیرد. از این رو، می‌توان انتظار داشت که افراد کارآفرین ظرفیت استفاده خلاقانه از منابع را در راستای حفاظت از محیط زیست به کار بندند. به عبارت دیگر، کارآفرینان منابع

1- Stevenson

مولن (Dean and McMullen, 2007) کارآفرینی پایدار را فرآیند کشف، ارزیابی و بهره‌برداری آن دسته از فرصت‌های اقتصادی می‌دانند که در بطن شکست‌های بازار وجود دارند. آنها منظور خود را از شکست‌های بازار، آن دسته از شکست‌هایی می‌دانند که به مسائل زیست‌محیطی مربوط می‌شود و پایداری را به خطر می‌اندازد. در همین راستا، نقش کارآفرینان، مقابله با این قبیل شکست‌های بازار (مرتبط با مسائل زیست‌محیطی) و سوق دادن جامعه به سمت پایداری است. پژوهشگران متعددی، کارآفرینی را وسیله‌ای برای بهبود شکست‌های اجتماعی و زیست‌محیطی بازار و در نتیجه حصول توسعه پایدار می‌دانند (York and Venkataraman, 2010; Hall et al., 2010). پاکتو و همکاران (Pacheco et al., 2010) معتقدند که کارآفرینان واقعی و فعال آن دسته از افرادی هستند که نه تنها به نقص‌های موجود در بازار هوشیار هستند، بلکه سازوکار فعالیت‌های خود را به‌گونه‌ای طرح می‌کنند که ابعاد زیست‌محیطی و اجتماعی آن فعالیت بهبود یابد. کوهن و وین (Cohen and Winn, 2007) کارآفرینی پایدار را بر مبنای اثرات فعالیت‌های کارآفرینانه تعریف می‌کنند. به عقیده آنان، در معنی کارآفرینی پایدار این مباحث مهم است که فرصت‌های کارآفرینانه چگونه و به وسیله چه کسی کشف، خلق و بهره‌برداری می‌شوند و همچنین چه اثرات اقتصادی، روانشناختی، اجتماعی و زیست‌محیطی را به دنبال خواهند داشت. برخی مطالعات در زمینه پیوند مفاهیم کارآفرینی و پایداری به دنبال بررسی ویژگی‌های شخصیتی و انگیزه کارآفرینان برای راه‌اندازی کسب‌وکار پایدار بوده‌اند. دیکسون و کلیفارد (Dixon and Clifford, 2007) به این نتیجه می‌رسند که یک ارتباط قوی بین

تئوری‌ها بر اساس نگرانی شدیدی که نسبت به حفظ محیط زیست وجود دارد، این بعد را حائز اهمیت بیشتری می‌دانند و بعضی دیگر، به دنبال تکنولوژی‌های پیشرفته‌ای هستند که با تکیه بر آنها بتوان به رشد اقتصادی و حفاظت از محیط زیست به طور هم‌زمان دست یافت؛ هر چند این مشکل نیز وجود دارد که نشر این تکنولوژی‌ها در کشورهای درحال توسعه مشکلات خاص خود را دارد (Rezaei-Moghaddam et al., 2005). در همین راستا، کارآفرینی به عنوان مفهومی معرفی شده است که به صورت کاربردی قادر به حفظ تعادل بین ابعاد مختلف توسعه پایدار می‌باشد؛ زیرا در مفهوم کارآفرینی این ظرفیت وجود دارد که به تشخیص و کشف فرصت‌هایی پرداخته شود که رشد هم‌زمان تمام ابعاد توسعه پایدار در آن مد نظر قرار گیرد (Hall et al., 2010). این مبحث تحت عناوینی مانند کارآفرینی سبز<sup>۱</sup>، کارآفرینی پاک<sup>۲</sup>، کارآفرینی با کربن پایین<sup>۳</sup> و یا مفاهیمی مشابه مطرح شده‌اند (Stern, 2007).

ابعاد مختلف پایداری در کارآفرینی اخیراً مورد توجه پژوهشگران حوزه‌های مختلف قرار گرفته و منجر به ظهور مفهوم کارآفرینی پایدار شده است. این مفهوم از جانب متخصصان رشته‌های مختلف در ابعاد متنوعی مطرح شده است. برخی افراد از جنبه ملاحظات زیست‌محیطی به مسئله پایداری در کارآفرینی پرداخته‌اند و برخی از چشم‌انداز دیگر به دنبال تعیین جایگاه و نقش کارآفرینی در مسیر دستیابی به توسعه پایدار هستند. آنچه مهم است، طرح موضوعی جدید تحت عنوان کارآفرینی پایدار است که نقطه مشترک دیدگاه‌های متنوع در زمینه پایداری فعالیت‌های کارآفرینانه محسوب می‌شود. دین و مک

- 1- Green entrepreneurship
- 2- Clean entrepreneurship
- 3- Low-carbon entrepreneurship

دنبال کاهش تمرکز بر این بخش هستند. از ابعاد اقتصادی و اجتماعی، تمرکز بر کشاورزی منجر به پیامدهایی مانند بیکاری و فقر (به دنبال رشد جمعیت و کمبود زمین، آب و سایر منابع)، مهاجرت و سایر مسائل مشابه شده است (Wiggins, 2016). از نقطه نظر زیست‌محیطی، تأکید بدون برنامه رویکردهای توسعه روستایی بر کشاورزی منجر به تخریب بخش قابل توجهی از منابع طبیعی (از قبیل زمین و آب) شده است. از سال ۱۹۵۰، حدود ۴۰ درصد از زمین‌های کشاورزی جهان از طریق فرسایش، شور شدن و تخلیه مواد مغذی تخریب شده‌اند (World Resources Institute, 2000). ضمن اینکه با توجه به سهم قابل توجه بخش کشاورزی در مصرف آب دنیا (El Kharraz et al., 2012)، کاهش منابع آبی نیز از چالش‌های عمده تمرکز بر این بخش است (World Resources Institute, 2000). در چنین شرایطی، صاحب‌نظران توسعه روستایی به دنبال برداشتن تمرکز شغلی روستاییان از کشاورزی به سایر فعالیت‌های غیرزراعی هستند. در همین راستا، کارآفرینی روستایی به‌عنوان یک راه‌حل مناسب، اهمیت برجسته‌ای پیدا می‌کند. اما همان‌گونه که فعالیت‌های کارآفرینانه روستایی به‌عنوان عامل حصول توسعه روستایی پایدار معرفی می‌شوند، نباید از این مسئله غفلت شود که این فعالیت‌ها خود چه اثرات و پیامدهایی در راستای تحقق پایداری خواهند داشت (Cohen and Winn, 2007).

کروسن و دارسون (Kroesen and Darson, 2013) اهمیت پایداری کارآفرینی روستایی را به فعالیت‌های زراعی نسبت می‌دهند و معتقدند که اگر حرکت فعالیت‌های زراعی به سمت کارآفرینی پایدار نباشد، به دنبال رشد جمعیت، افزایش مصرف و ضرورت افزایش تولید محصولات کشاورزی برای سایر انرژی‌ها، به منابع فشار زیادی وارد خواهد آمد.

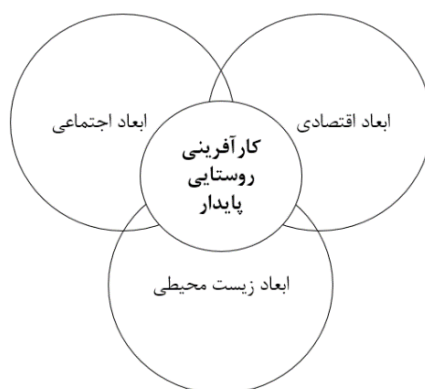
کارآفرینی‌گرایی<sup>۱</sup> و محیط زیست‌گرایی<sup>۲</sup> وجود دارد. وگا و کیدول (Vega and Kidwell, 2007) با بررسی ۸۰ کسب‌وکار پایدار به این نتیجه رسیدند که با وجود شباهت‌های زیاد بین کسب‌وکارها، تفاوت‌های زیادی در بین کارآفرینان به لحاظ ویژگی‌ها، اهداف، گرایش‌ها و همچنین منبع انگیزه آنها وجود دارد. کوکرتز و واگنر (Kuckertz and Wagner, 2010) این مسئله را تشریح کردند که جهت‌گیری مثبت نسبت به پایداری، بر نیت کارآفرینانه اثر مثبت دارد. اما آنچه در زمینه ارتباط مفاهیم کارآفرینی و پایداری اهمیت دارد، تعریف فعالیت کارآفرینانه پایدار است که کوهن و وین (Cohen and Winn, 2007) فقدان شاخص دقیق در این رابطه را از شکاف‌های بزرگ ادبیات در این زمینه می‌دانند. چویی و گری (Choi and Gray, 2008) روی ۲۱ کارآفرین موفق در زمینه جهت‌گیری کارآفرینانه پایدار مطالعه کردند و دریافتند که بسیاری از آنها فعالیت‌های خود را به شیوه‌ای غیرپایدار انجام می‌دهند. بنابراین، نگرش و گرایش پایدار نسبت به فعالیت‌های کارآفرینانه، پایدار بودن این‌گونه فعالیت‌ها را در عمل تضمین نمی‌کند.

کارآفرینی در اصل و ماهیت مفهوم خود تفاوتی با کارآفرینی روستایی ندارد (علیخانی دادوکلائی و اصغرنژاد، ۱۳۹۳) و تنها شرایط پیاده‌سازی و توسعه این مفهوم از قبیل منابع، زیرساخت‌ها، آموزش و ... تفاوت ایجاد می‌کند. تأکید بر فعالیت‌های کشاورزی در مناطق روستایی یکی از زمینه‌های ایجاد تفاوت در بحث کارآفرینی و به تبع آن پایداری در این بحث می‌شود. یکی از عمده چالش‌های توسعه روستایی مربوط به بخش کشاورزی است به طوری که صاحب‌نظران در نظریه‌های نوین توسعه روستایی به

1- Entrepreneurialism

2- Environmentalism

بر اساس مؤلفه‌های نظری مختلفی که کارآفرینی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی به آنها می‌پردازد می‌توان به کاربرد این ابعاد در کارآفرینی روستایی پرداخت (معصومی و زمانی، ۱۳۹۳). به عنوان مثال، ارزش‌های فرهنگی یکی از منابع غنی و حائز اهمیت محیط‌های روستایی است (Nemes, 2005). به دنبال توسعه مفاهیمی مانند نوآوری (مطرح‌شده به وسیله دراکر) و خلق ارزش‌های جدید اقتصادی در کارآفرینی روستایی، ملاحظات فرهنگی روستا نیز باید مد نظر قرار بگیرد. همچنین همزمان با رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی حاصل از توسعه کارآفرینی روستایی، مؤلفه‌های زیست‌محیطی نیز باید مد نظر قرار گیرد. اما این مهم نیازمند مفهوم‌سازی کارآفرینی روستایی پایدار با استفاده از مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی می‌باشد (نگاره ۲).



نگاره ۲. ابعاد لازم برای مفهوم‌سازی کارآفرینی روستایی پایدار

ادیات کارآفرینی نادیده گرفته شده است، بحث کارآفرینی روستایی در کشورهای در حال توسعه می‌باشد (Ozgen and Minsky, 2007)؛ مهم‌تر آنکه بحث پایداری در این موضوع کاملاً مغفول مانده است. این در حالی است که پایداری فعالیت‌های کارآفرینانه روستایی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه بسیار مهم است؛ تا جایی که ایزدی و

پایداری به وسیله کارآفرینی روستایی از نقطه نظراتی مانند شناسایی منابع، فرصت‌ها و مشکلات موجود در محیط روستایی محقق خواهد شد (Muruganatham and Natarajan, 2015). گوتا و همکاران (Guta et al., 2017) برای سنجش پایداری فعالیت‌های کارآفرینانه روستایی در زیمبابوه، از چارچوب پایداری معیشت بهره گرفتند. آنها کارآفرینی روستایی را شامل فعالیت‌هایی می‌دانند که برای تأمین معاش روستاییان ایجاد می‌شوند. نتایج بررسی آنها نشان داد که فعالیت‌های کارآفرینانه روستایی به لحاظ تأمین معاش، پایدار نبوده است. آکینبامی (Akinbami, 2017) پایداری فعالیت‌های کارآفرینانه روستایی نیجریه را از بعد اجتماعی مورد بررسی قرار داد و به نتیجه گرفت که فقدان زیرساخت‌های فرهنگی بزرگ‌ترین مانع برای فعالیت کارآفرینی زنان روستایی است.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پایداری می‌تواند مفهوم مناسبی برای کنترل و مدیریت خطرات ناشی از توسعه کارآفرینی باشد. به عبارت دیگر، تعیین سطح پایداری فعالیت‌های کارآفرینانه روستایی به سنجش میزان توسعه این‌گونه فعالیت‌ها در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی کمک می‌کند. ابعاد و شرایطی که در

۲. چگونه می‌توان پایداری فعالیت‌های کارآفرینانه روستایی را مورد سنجش قرار داد؟ یکی از موارد ضروری برای بررسی پایداری فعالیت‌های کارآفرینانه، عملیاتی نمودن مفهوم پایداری در زمینه کارآفرینی برای سنجش آن است (Cohen and Winn, 2007). ضمن اینکه پایداری ابعاد مختلفی دارد که باید در شرایط مختلف، تلاش‌هایی در راستای تعریف شاخص‌هایی برای سنجش این ابعاد صورت بگیرد (Smith, 2002).

اهداف پایداری، ریشه در تشخیص ناکافی بودن منابع برای توسعه دارند. در همین راستا، روند رو به رشد بهره‌برداری از منابع در مسیری است که کشورهای درحال توسعه نمی‌توانند به یک میزان، هم‌زمان و هم‌راستا با کشورهای توسعه‌یافته از منابع استفاده کنند (Hall et al., 2010). این مسئله باعث می‌شود که مفهوم پایداری در شرایط مختلف، متفاوت باشد. همان‌گونه که حیاتی و همکاران (Hayati et al., 2010) معتقدند که مفهوم پایداری در کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای درحال توسعه متفاوت است. از این رو، نمی‌توان پایداری تمام فعالیت‌های کارآفرینانه را در تمام شرایط، با شاخص‌هایی یکسان مورد سنجش قرار داد. عمده مطالعات کارآفرینی روستایی، کشورهای توسعه‌یافته را هدف خود قرار داده‌اند (Pato and Teixeira, 2016). این در حالی است که کارآفرینی روستایی نقش بسیار مهمی در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای درحال توسعه ایفا می‌کند (Phillipson et al., 2011) و بخشی از فلسفه طرح بحث پایداری، مربوط به همین الگوی ناعادلانه بهره‌برداری از منابع توسط کشورهای توسعه‌یافته نسبت به کشورهای درحال توسعه است (Hall et al., 2010).

به دلیل مطالعات ناکافی در مورد پایداری کارآفرینی روستایی، مباحث مبهمی در زمینه توسعه

همکاران (۱۳۹۵) ناپایداری را یکی از مهم‌ترین عوامل عدم موفقیت کسب‌وکارهای روستایی در کشورهای درحال توسعه مانند ایران می‌دانند. شکاف‌های موجود در ادبیات کارآفرینی روستایی در زمینه پایداری فراوان و متنوع هستند. علاوه بر اندک بودن مطالعات انجام‌شده در زمینه کارآفرینی روستایی پایدار، دامنه این مطالعات نیز محدود بوده است. بسیاری از جنبه‌های مفهوم کارآفرینی روستایی پایدار در حاله‌ای از ابهام قرار دارد و منجر به پرسش‌های فراوانی شده است که عبارت‌اند از:

۱. مفهوم کارآفرینی روستایی پایدار چیست؟ مطالعات اندکی تا کنون به بررسی مفهوم کارآفرینی پایدار<sup>۱</sup> پرداخته‌اند و مفهوم‌سازی آن به شیوه‌ای جامع و دقیق صورت نگرفته است. با وجود اینکه بررسی‌هایی در زمینه اثرگذاری ماهیت مفهوم کارآفرینی بر ابعاد مختلف توسعه پایدار به صورت مجزا انجام شده است، اما مطالعاتی که با تأکید ویژه بر مفهوم پایداری در پی ارتباط آن با مباحث کارآفرینی در ابعاد مختلف باشند، جامع نیستند و شناخت کافی در این زمینه همچنان وجود ندارد (Hall et al., 2010). از سوی دیگر، بررسی‌ها نشان می‌دهد که این مفهوم حتی به لحاظ واژگانی<sup>۲</sup> نیز دارای ابهام است؛ تا جایی که تحت عناوین متعددی مانند کارآفرینی پایدار (Dean and McMullen, 2007)، کارآفرینی زیست‌محیطی<sup>۳</sup> (Lenox and York, 2011)، اکو کارآفرینی<sup>۴</sup> (Schaper, 2002) و کارآفرینی سبز<sup>۵</sup> (Blue, 1990) مطرح شده است. در زمینه‌هایی مثل کارآفرینی روستایی، این مطالعات بسیار کمتر هستند و ابهامات بیشتری وجود دارد.

- 1- Sustainable entrepreneurship
- 2- Terminology
- 3- Environmental entrepreneurship
- 4- Ecopreneurship
- 5- Green entrepreneurship



پایداری (اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی) استفاده نمود. مؤلفه‌های هر کدام از این دیدگاه‌ها در ابعاد مختلف پایداری، می‌تواند رویکرد متفاوتی در زمینه کارآفرینی روستایی داشته باشد. از این رو، ترسیم این دیدگاه‌ها در قالب فعالیت‌های کارآفرینانه روستایی و تطبیق آنها در بستر روستا می‌تواند مفهوم جامعی از کارآفرینی روستایی پایدار ارائه نماید.

به‌طورکلی، پایداری مبحثی جدید در زمینه کارآفرینی روستایی محسوب می‌شود و مطالعه چندان، به ویژه به لحاظ مفهوم‌سازی در این زمینه وجود ندارد. ضمن اینکه مطالعات تجربی نیز در این رابطه بسیار محدود می‌باشند. کارآفرینی روستایی پایدار مفهوم پیچیده با ابعاد بسیار متنوعی است. از این رو، مفهوم‌سازی و شاخص‌سازی کارآفرینی روستایی پایدار از مباحث مهم و شکاف‌های قابل‌توجه در ادبیات کارآفرینی و توسعه روستایی می‌باشد.

- غیرکشاورزی در ارتقاء کیفیت زندگی روستاییان مورد: روستاهای بخش شاندیز شهرستان بینالود. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۴(۲): ۷۶-۵۵.
۵. علیخانی دادوکلائی، م.، و اصغرنژاد، ل. ۱۳۹۳. اهمیت و ضرورت توجه به کارآفرینی در برنامه‌های آموزش کشاورزی. نشریه کارآفرینی در کشاورزی، ۱(۱): ۱۴-۱.
۶. معصومی، ا.، زمانی، ن. ۱۳۹۳. مدل تشخیص فرصت‌های کارآفرینانه در بخش کشاورزی. نشریه کارآفرینی در کشاورزی، ۱(۴): ۱۸-۱.
۷. ملک‌سعیدی قصرالدشتی، ح.، بخشی جهرمی، آ. و فروزانی، م. ۱۳۹۲. عوامل مؤثر بر انگیزه پیشرفت کارآفرینان زن روستایی: مورد مطالعه

این مفهوم وجود دارد. از جمله مسائل مهم و مغفول در این زمینه این است که نگرش سیاست‌گذاران و پژوهشگران حوزه کارآفرینی در زمینه ابعاد پایدار کارآفرینی روستایی چیست؟ با توجه به درصد بالای بیکاری و فقر در جوامع روستایی، به نظر می‌رسد که اهداف اقتصادی در اولویت طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌های کارآفرینی قرار داشته باشد. در این صورت، این پرسش مطرح می‌شود که نهادها و ذینفعان مختلف چه نقشی در توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه روستایی پایدار خواهند داشت؟ پاسخ دقیق به چنین ابهاماتی می‌تواند به توسعه صحیح کارآفرینی با کمترین آثار مخرب منجر شود.

آنچه مشخص است، هر کدام از رویکردهای کارآفرینی دارای ریشه‌های نظری می‌باشد که مؤلفه‌های متنوعی را برای کارآفرینی در نظر می‌گیرند. برای مفهوم‌سازی کارآفرینی روستایی پایدار، باید از دیدگاه‌های کارآفرینی موجود در هر کدام از ابعاد

## منابع

۱. احمدپور داریانی، م.، و مقیمی، س.م. ۱۳۹۲. مبانی کارآفرینی. تهران: انتشارات نگاه دانش.
۲. ایزدی، ب.، رضائی مقدم، ک.، و اسدالله‌پور، ع. ۱۳۹۵. سازه‌های مؤثر و موانع تحقق توسعه کارآفرینی در مشاغل خانگی بخش کشاورزی در مناطق روستایی شیراز. علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، ۱۲(۱): ۵۱-۳۹.
۳. رضائی مقدم، ک.، و کرمی، ع. ۱۳۸۵. ترویج کشاورزی، فقر و کشاورزی پایدار: کاربرد تحلیل مسیر (Path Analysis). علوم ترویج و کشاورزی ایران، ۲(۱): ۷۲-۵۵.
۴. سجاسی قیداری، ح.، شایان، ح.، نوربخش رزمی، ز. ۱۳۹۳. تحلیل نقش کارآفرینی فعالیت‌های

20. Cheah, H.B. 1990. *Schumpeterian and Austrian entrepreneurship: Unity within duality*. Journal of Business Venturing, 5(6): 341-347.
21. Choi, D.Y., and Gray, E.R. 2008. *The venture development processes of "sustainable" entrepreneurs*. Management Research News, 31(8): 558-569.
22. Cohen, B., and Winn, M.I. 2007. *Market imperfections, opportunity and sustainable entrepreneurship*. Journal of Business Venturing, 22(1): 29-49.
23. Dacin, P.A., Dacin, M.T., and Matear, M. 2010. *Social entrepreneurship: Why we don't need a new theory and how we move forward from here*. The Academy Of Management Perspectives, 24(3): 37-57.
24. Davis, B., Di Giuseppe, S., and Zezza, A. 2014. Income diversification patterns in rural sub-Saharan Africa: reassessing the evidence. Policy Research Working Paper, No. 7108.
25. Dean, T.J., and McMullen, J.S. 2007. *Toward a theory of sustainable entrepreneurship: Reducing environmental degradation through entrepreneurial action*. Journal of Business Venturing, 22(1): 50-76.
26. Dixon, S.E., and Clifford, A. 2007. *Ecopreneurship—a new approach to managing the triple bottom line*. Journal of Organizational Change Management, 20(3): 326-345.
27. El Kharraz, J., El-Sadek, A., Ghaffour, N., and Mino, E. 2012. *Water scarcity and drought in WANA countries*. Procedia Engineering, 33: 14-29.
28. Gans, J.S., Stern, S., and Wu, J. 2016. *Foundations of entrepreneurial strategy*. Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=2844843>.
29. Gartner, W.B. 1990. *What are we talking about when we talk about entrepreneurship?* Journal of Business Venturing, 5(1): 15-28.
30. Gupta, V.K., and York, A.S. 2008. *Attitudes toward entrepreneurship and small business: Findings from a survey of Nebraska residents and small*
- شهرستان مرودشت. علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، ۹(۱)، ۱۵۲-۱۴۱.
۸. مقیمی، س.م.، و پازوکی، آ. ۱۳۸۷. *دایره المعارف کارآفرینی*. تهران: وزارت تعاون.
9. Akinbami, C.A. 2017. *Assessing the Implications of Book-Keeping and Payment Culture on Sustainable Female Entrepreneurship Development in Osun State, Nigeria*. Ife Social Sciences Review, 24(2): 71-95.
10. Balakrishnan, U., Duvall, T., and Primeaux, P. 2003. *Rewriting the bases of capitalism: reflexive modernity and ecological sustainability as the foundations of a new normative framework*. Journal of Business Ethics, 47(4): 299-314.
11. Baron, D.P. 2007. *Corporate social responsibility and social entrepreneurship*. Journal of Economics and Management Strategy, 16(3): 683-717.
12. Bhandari, H. 2009. Sustainability of rural development projects. Asia: IFAD.
13. Blue, R.J. 1990. *Ecopreneuring: managing for results*. Scott, Foresman. London.
14. Bonevac, D. 2010. *Is sustainability sustainable?* Academic Questions, 23(1): 84-101.
15. Brown, L. 2006. *Rescuing a planet under stress and civilization in trouble*. W.W. Norton, New York.
16. Bruggmann, J., and Prahalad, C.K. 2007. *Cocreating business's new social compact*. Harvard Business Review, 85(2): 80.
17. Brundtland, G.H. 1987. *Our common future—Call for action*. Environmental Conservation, 14(4): 291-294.
18. Bull, I., and Willard, G.E. 1993. *Towards a theory of entrepreneurship*. Journal of Business Venturing, 8(3): 183-195.
19. Burnett, K.A., and Danson, M. 2017. *Enterprise and entrepreneurship on islands and remote rural environments*. The International Journal of Entrepreneurship and Innovation, 18(1): 25-35.

40. Kroesen, O., and Darson, R. 2013. *Capacity building as part of sustainable rural entrepreneurship*. In Engineering, Technology and Innovation (ICE) and IEEE International Technology Management Conference, 2013 International Conference on (pp. 1-8). IEEE.
41. Kuckertz, A., and Wagner, M. 2010. *The influence of sustainability orientation on entrepreneurial intentions-investigating the role of business experience*. Journal of Business Venturing, 25(5): 524-539.
42. Kuhlman, T., and Farrington, J. 2010. *What is sustainability?* Sustainability, 2(11): 3436-3448.
43. Lanjouw, J.O., and Lanjouw, P. 2001. *The rural non-farm sector: issues and evidence from developing countries*. Agricultural Economics, 26(1): 1-23.
44. Lavanya Latha, K., and Murthy, B.E.V. V.N. 2009. *Problems of small-scale entrepreneurs in Nellore District*. Journal of Chinese Entrepreneurship, 1(3): 268-278.
45. Lenox, M., and York, J.G. 2011. *Environmental entrepreneurship*. The Oxford handbook of business and natural environment, 70-92.
46. Liverpool-Tasie, L., Adjognon, S., and Reardon, T. 2016. *Transformation of the food system in Nigeria and female participation in the Non-Farm Economy (NFE)*. In 2016 Annual Meeting, July 31-August 2, 2016, Boston, Massachusetts (No. 236277). Agricultural and Applied Economics Association.
47. Mair, J., and Marti, I. 2006. *Social entrepreneurship research: A source of explanation, prediction, and delight*. Journal of World Business, 41(1): 36-44.
48. Marsden, T., and Smith, E. 2005. *Ecological entrepreneurship: sustainable development in local communities through quality food production and local branding*. Geoforum, 36(4): 440-451.
49. Moghadam, S.J. 2017. *Entrepreneurship Policy in Iran*. In Iranian *business owners*. Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy, 2(4): 348-366.
51. Guta, G., Vhudzi, G., and Chazovachii, B. 2017. *Sustainability of Rural Entrepreneurship as a Livelihood Strategy in Zaka District, Zimbabwe*. Bangladesh Sociological Society, 14(1): 70.
52. Hall, J.K., Daneke, G.A., and Lenox, M. J. 2010. *Sustainable development and entrepreneurship: Past contributions and future directions*. Journal of Business Venturing, 25(5): 439-448.
53. Hayati, D., Ranjbar, Z., and Karami, E. 2010. *Measuring agricultural sustainability*. In biodiversity, biofuels, agroforestry and conservation agriculture (pp. 73-100). Springer Netherlands.
54. Henderson, J. 2002. *Building the rural economy with high-growth entrepreneurs*. Economic Review-Federal Reserve Bank of Kansas City, 87(3): 45.
55. Hörisch, J., Kollat, J., and Brieger, S.A. 2017. *What influences environmental entrepreneurship? A multilevel analysis of the determinants of entrepreneurs' environmental orientation*. Small Business Economics, 48(1): 47-69.
56. Hussein, K., and Nelson, J. 1998. *Sustainable livelihoods and livelihood diversification*. IDS working paper 69. Brighton, UK.
57. Jones, O. 1995. *Lay discourses of the rural: developments and implications for rural studies*. Journal of Rural Studies, 11(1): 35-49.
58. Karami, E. 1995. *Agricultural extension: the question of sustainable development in Iran*. Journal of Sustainable Agriculture, 5(1-2): 61-72.
59. Karimzadeh, H., Nikjoo, M., Sadrmosavi, M.S., and Kohestani, H. 2014. *Identify the factors in creating entrepreneurial opportunities in the tourism sector in rural areas using structural equation model (SME)*. Geography and Environmental Planning, 25(2): 269-290.

60. Phillipson, J., Shucksmith, M., Turner, R., Garrod, G., Lowe, P., Harvey, D., and Hubbard, C. 2011. *Rural Economies: Incubators and Catalysts for Sustainable Growth*. Newcastle, UK: Centre for Rural Economy and RELU.
61. Pugliese, P. 2001. *Organic farming and sustainable rural development: A multifaceted and promising convergence*. *Sociologia Ruralis*, 41(1): 112-130.
62. Rahdari, A., Sepasi, S., and Moradi, M. 2016. *Achieving sustainability through Schumpeterian social entrepreneurship: The role of social enterprises*. *Journal of Cleaner Production*, 137: 347-360.
63. Reardon, T., and Timmer, C.P. 2014. *Five inter-linked transformations in the Asian agrifood economy: Food security implications*. *Global Food Security*, 3(2): 108-117.
64. Reardon, T., Berdegue, J., Barrett, C.B., and Stamoulis, K. 2007. *Household Income Diversification into Rural Non-Farm Activities*. Johns Hopkins University Press, Baltimore.
65. Reardon, T., Chen, K.Z., Minten, B., Adriano, L. 2012. *The Quiet Revolution in Staple Food Value Chains in Asia: Enter the Dragon, the Elephant, and the Tiger*. Mandaluyong City, Philippines: Asian Development Bank and International Food Policy Research Institute.
66. Rezaei-Moghaddam, K., Karami, E., and Gibson, J. 2015. *Conceptualizing Sustainable Agriculture Iran as an Illustrative Case*. *Journal of Sustainable Agriculture*, 27(3): 25-56.
67. Robinson, J. 2004. *Squaring the circle? Some thoughts on the idea of sustainable development*. *Ecological Economics*, 48(4): 369-384.
68. Schaper, M. 2002. *The essence of ecopreneurship*. *Greener Management International*, 38: 26-30.
69. Schiller, B.R., and Crewson, P.E. 1997. *Entrepreneurial origins: A longitudinal inquiry*. *Economic Inquiry*, 35(3): 523-531.
- Entrepreneurship (pp. 15-39). Springer International Publishing.
50. Mölders, T.A.N.J.A. 2014. *Multifunctional agricultural policies: pathways towards sustainable rural development?* *International Journal of Sociology of Agriculture and Food*, 21(1): 97-114.
51. Muruganatham, N., and Natarajan, G. 2015. *Barriers of Entrepreneur in Rural Area*. *International Journal of Applied Research*, 1(7): 621-624.
52. Nagler, P., and Naudé, W. 2017. *Non-farm entrepreneurship in rural sub-Saharan Africa: New empirical evidence*. *Food Policy*, 67: 175-191.
53. Nemes, G. 2005. *Integrated rural development-The concept and its operation* (No. MT-DP-2005/6). IEHAS Discussion Papers.
54. Newbery, R., Siwale, J., and Henley, A. 2017. *Rural entrepreneurship theory in the developing and developed world*. *The International Journal of Entrepreneurship and Innovation*, 18(1): 3-4.
55. Oriarewo, G.O., Agbim, K.C., and Aondoseer, A. 2013. *Entrepreneurial Perceptions and Knowledge among Graduates of Nigerian Universities*. *International Journal of Scientific and Research Publications*, 3(6): 1-8.
56. Ozgen, E., and Minsky, B.D. 2007. *Opportunity recognition in rural entrepreneurship in developing countries*. *International Journal of Entrepreneurship*, 11, 49.
57. Pacheco, D.F., Dean, T.J., and Payne, D.S. 2010. *Escaping the green prison: Entrepreneurship and the creation of opportunities for sustainable development*. *Journal of Business Venturing*, 25(5): 464-480.
58. Pato, M.L., and Teixeira, A.A. 2016. *Twenty years of rural entrepreneurship: a bibliometric survey*. *Sociologia Ruralis*, 56(1): 3-28.
59. Peredo, A.M., and McLean, M. 2006. *Social entrepreneurship: A critical review of the concept*. *Journal of World Business*, 41(1): 56-65.

- International Bank for Reconstruction and Development / The World Bank, Washington, DC, USA.
78. Vega, G., and Kidwell, R.E. 2007. *Toward a typology of new venture creators: Similarities and contrasts between business and social entrepreneurs*. New England Journal of Entrepreneurship, 10(2): 15.
79. Venkataraman, S. 1997. *The distinctive domain of entrepreneurship research*. Advances in Entrepreneurship, Firm Emergence and Growth, 3(1): 119-138.
80. Wiggins, S. 2016. *Agricultural and rural development reconsidered. A guide to issues and debates*. IFAD Research Series 1. IFAD, Rome.
81. Wolbring, G., and Rybchinski, T. 2013. *Social sustainability and its indicators through a disability studies and an ability studies lens*. Sustainability, 5(11): 4889-4907.
82. World Resources Institute. 2000. *Pilot analysis of global ecosystems (PAGE)*. World Resource Institute, Maryland.
83. Wortman, M.S. 1990. *Rural entrepreneurship research: An integration into the entrepreneurship field*. Agribusiness (1986-1998), 6(4): 329.
84. York, J.G., and Venkataraman, S. 2010. *The entrepreneur–environment nexus: Uncertainty, innovation, and allocation*. Journal of Business Venturing, 25(5): 449-463.
70. Schumpeter, J. 1934. *The theory of economic development*. Cambridge, Mass: Harvard University Press.
71. Smith, S.L. 2002. *Devising environment and sustainable development indicators for Canada*. Corporate Environmental Strategy, 9(3): 305-310.
72. Soubbotina, T.P. 2004. *Beyond economic growth: An introduction to sustainable development*. World Bank Publications, WBI Learning Resources Series, World Bank Institute.
73. Stern, N.H. 2007. *The economics of climate change: the Stern review*. The Cambridge University Press: London.
74. Stevenson, H.H., and Jarillo, J.C. 2007. *A paradigm of entrepreneurship: Entrepreneurial management*. Entrepreneurship: Concepts, Theory and Perspective, 155-170.
75. Sullivan Mort, G., Weerawardena, J., and Carnegie, K. 2003. *Social entrepreneurship: Towards conceptualization*. International Journal of Nonprofit and Voluntary Sector Marketing, 8(1): 76-88.
76. Thompson, J.L. 2002. *The world of the social entrepreneur*. International Journal of Public Sector Management, 15(5): 412-431.
77. Tubiello, F., Schmidhuber, J., Howden, M., Neofotis, P.G., Park, S., Fernandes, E., and Thapa, D. 2008. *Climate change response strategies for agriculture: challenges and opportunities for the 21st century*. Agriculture and rural development discussion paper 42. The



Gorgan University of Agricultural  
Sciences and Natural Resources

*Journal of Entrepreneurship in Agriculture Vol. 5(2), 2018*

*<http://jead.gau.ac.ir>*

*DOI:*

## **Sustainable Rural Entrepreneurship: A Response to Unlimited Development of Entrepreneurship in Rural Areas**

**\*K. Rezaei-Moghaddam<sup>1</sup> and E. Masoomi<sup>2</sup>**

<sup>1</sup>Associate Prof., Dept., of Agricultural Extension and Education, Shiraz University,

<sup>2</sup>Ph.D. Student, Dept., of Agricultural Extension and Education, Shiraz University

Received: 12/06/2018; Accepted: 05/07/2018

### **Abstract**

Entrepreneurship is known as one of the most important efforts of rural development. Scholars and policy makers believe this concept and always try to develop it in rural areas. But the question is that “is rural entrepreneurship development always appropriate?” The evidences show that unlimited development of rural entrepreneurship have dangerous consequences for rural people and households. The aim of this review study was introducing the concept of sustainable rural entrepreneurship in response to the consequences of unlimited development of rural entrepreneurship. Results showed that the consequences could be categorized in three groups of economic, social and environmental dimensions. On the other hand, entrepreneurship literature also has been made with studies on perspectives which consider these three dimensions, including economic, social, and environmental entrepreneurship. Simultaneously considering triple dimensions of entrepreneurship and sustainability creates the concept of sustainable entrepreneurship. These dimensions in the concepts of entrepreneurship and sustainability could cover the consequences of rural entrepreneurship and introduce the new concept of sustainable rural entrepreneurship.

**Keywords:** Rural entrepreneurship, Sustainability, Sustainable rural entrepreneurship

---

\*Corresponding author: [dr.rezaeimoghaddam@gmail.com](mailto:dr.rezaeimoghaddam@gmail.com)